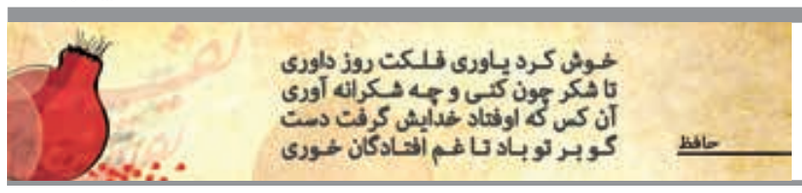

دنیا به روایت تصویر

مسابقات اتومبیلرانی برای کودکان با ماشین های شارژی در انگلیس، عکس از تلگراف

سلفی گرفتن در زمان توفان مهیب ایرما در ایالت فلوریدای آمریکا که شهر خالی از سکنه شده، عکس از رویترز

دیدار تیم منتخب پیش کسوتان فوتبال و تیم رسانه ورزش، عکس از باشگاه خبرنگاران

▪ دور دنیا ▪

گربه همیشه عصبانی!

آدیتی سنترال/ گربه ای با نام «شامو» یک سال است که در مغازه فروش حیوان، روی دست صاحبش مانده است! این گربه که از نژاد گران قیمتی است، به خاطر چهره فوق العاده اخمویش طرفدار ندارد! او در هر شرایطی چهره ای تهاجمی و به شدت عصبانی دارد و به همین دلیل هم کسی حاضر به نگهداری از او نیست. به تازگی با انتشار عکس های این گربه که در توکیو زندگی می کند، او بسیار محبوب شده و صفحه فیس بوکی با هزاران دنبال کننده دارد.

شکایت عجیب از خروس همسایه!

اسکای نیوز/ مرد ۵۶ ساله انگلیسی از سر و صدای خروس همسایه اش شکایت کرد. اما نکته جالب ماجرا این جاست که او ادعا کرده است، صدای این خروس مشخص می کند که او لهجه دارد و خروس انگلیسی نیست و به همین دلیل تقاضا کرده است تا سر این خروس را ببرند! این مرد به دلیل رفتار بچه گانه و به دور از شان در دادگاه، از دادگاه اخراج شد اما شکایت او از خروس همسایه در حال بررسی است!

مسن ترین بدنساز دنیا!

گینس ورلد رکورد/ پیرمرد ۸۴ ساله انگلیسی که از دوران جوانی به صورت حرفه ای بدنسازی انجام می دهد، رکورد مسن ترین بدنساز دنیا را در کتاب رکوردهای گینس از آن خود کرد. او تاکنون در ۶۲ مسابقه بدنسازی شرکت کرده و در ۱۶ مسابقه برنده شده است. «جیم آرینگتون» با وجود کهولت سن، بدن کاملا عضله ای دارد و هنوز هم قصد دارد تا در مسابقات شرکت کند.

شکایت از پدر و مادر به دلیل زشتی!

العربیه/ زن ۴۴ ساله آمریکایی به دلیل زشتی اش از پدر و مادرش شکایت و درخواست ۲ میلیون دلار غرامت کرد. او والدینش را مسئول زشتی اش می داند و تا به حال به دلیل همین مسئله، شوهرهایش ۳ بار پی در پی از او طلاق گرفته اند. «آنابلا جفرسون» معتقد است که والدین اش باعث یک سری از افسردگی ها و مشکلات روحی او شده اند و باید جریمه شوند.

▪ شعر طنز ▪

نحوه حرف زدن افراد مختلف در محل کار

دفتر آژانسِ هواپیمایی

ببین! پروازِ ما ماهه عَسیسم! همیشه خوب و دلخواهه عَسیسم!
اگه با ما بری؛ تهران به لندن مسیرش خیلی کوتاهه عسیسم!

فروشنده برندِ خاص

شلام اجناش ما خیلی قشنگن! همه کفشامون از پوشتِ پلنگن!
تیشرتا هست طرحِ دشته بیل و تمومه مانشوها طرحِ کلنگن!

فروشنده کتاب

همش دنبالِ یک حرفِ جدیدم کتاب هی خوندم و اینجا رسیدم!
کتابِ «بی شعوری» خیلی خوبه خودم صد مرتبه عکساشو دیدم!

مسئول کافی شاپ خیلی باکلاس

توو گوشم گفت دیشب «گل محمد» رمانِ «دولت آبادی» در اومد
شما که عینکت مانندِ «نیچه» است «هدایت» می خوری یا «آل احمد؟»

زن فروشنده لباس بچه

لباسامونِ همه شیکن خانومی! همه کوتاه و باریکن خانومی!
شما کانتَکتِ ما هستی قشنگم؟! آفامون خیلی نزدیکن خانومی!

اطلاعات فرودگاه

مسافرانِ *۵»/.۱۱۲\[]\[؛ّلآ*«*
اذددد ـ ***//ء\[]\{}}**
(هنوز دقیق نمی دونم چی میگه!)

امیرحسین خوش حال

▪ در محضر بزرگان ▪

یکی از سخت ترین آزمون های الهی

۲۱ شهریور، سالروز رحلت استاد اخلاق آیت ا... «میرزا علی احمدی میانجی» است که چندین کتاب در حوزه اخلاق و فقه از ایشان به یادگار مانده است. اینک در سالگرد عروج ملکوتی آن عالم وارسته به بازخوانی یک اندرز و شمه ای از سبک زندگانی ایشان می پردازیم.

آزمون سخت الهی/ ایشان در منبرشان گفتند: «امتحان «خوشی» خیلی مشکل است. من خیال می کنم از هزار، یک نفر از عهده امتحانش بیرون می آید. خدا پول بدهد، مقام بدهد، صحت بدن بدهد، وسایل و امکانات بدهد، آدم خودش را گم نکند. چند نفر می توانند از عهده چنین امتحانی بیرون بیایند؟!»

از ایشان کار مکروه ندیده ام/ یکی از نزدیکان ایشان می گوید: «حدود ۵۰ سال با آیت ا... احمدی میانجی از نزدیک آشنا و با ایشان هم بحث بوده ام؛ در این مدت طولانی، حتی یک کار مکروه نیز از ایشان ندیده ام؛ چه برسد به این که از ایشان، کار حرام از قبیل غیبت، تهمت و ... ببینم! در این مدت حتی تصور انجام چنین کارهایی از ایشان را نداشتم.» همچنین نقل شده است که فرزند ایشان(جعفر) در عملیات کربلای ۵ به مقام شامخ شهادت نایل آمد. ایشان در تشییع جنازه فرزندشان حضور پیدا کرده بودند ولی ناگهان از نیمه راه بازگشتند. وقتی که علت را از ایشان جویا شدند، گفتند: «چیزی را که در راه خدا داده ام، نمی خواهم دنبالش راه بیفتم! ایشان در مجلس هفتم نیز شرکت نکردند!» **تبیان**

▪ فتو شعر ▪

▪ داستانک ▪

آرزویی برای عقاب‌ها!

روزی بر فراز چراگاهی بزرگ، گوسفندی با بره اش در حال چرا کردن بودند. عقابی بالای سر این دو چرخ می زد و با چشمانی پر از گرسنگی، گوسفند و بره اش را برانداز می کرد و می خواست به پایین بیاید و شکارش را بگیرد اما در همین حین عقاب دیگری در آسمان پدیدار شد و بر بالای سر گوسفند و بره به پرواز در آمد. هنگامی که این دو رقیب همدیگر را دیدند، با فریادهای خشم آلود جنگی تمام عیار را آغاز کردند. گوسفند نگاهی به بالای سر خود انداخت و شگفت زده شد. سپس به بره خود رو کرد و گفت:«چه شگفت کودک من، این دو پرنده شکوهمند با هم نبرد می کنند تا از مقدار بیشتری از آسمان بهره مند شوند. آیا وسعت این فضای بیکرانه برای هر دوی این ها کافی نیست؟ بره کوچک من، ای کاش هر چه زود تر بین برادران بالدارت صلح و دوستی برقرار باشد.» بره در حالی که معصومانه به آن دو عقاب می نگریست، این آرزو را در قلب کوچک خود تکرار کرد.

برگرفته از سایت «داستانک»

▪ کاریکلماتور ▪

* از چشم که رفت، بر سر زبان افتاد!
* خاطره از پنجره عکس بیرون می آید.
* گربه از ترس گرسنگی دنبال سوراخ موش می گشت.
* صفرهایی که در حساب مدرسه گرفته اند، اکنون سر از حساب بانکی شان در آورده است! **رضاوارسته**

▪ یادش بخیر ▪

▪ اندکی صبر ▪

فال قهوه!

راحت قهوه ات را بخور
از ته این فنجان
نه کسی آمده است
نه کسی مانده است
فال تو
همین طعمی است که می چشی **مهران پیرستانی**

حرکت جالب مدیر یک بیمارستان

Like Comment

* کاش الان ۷ سالم بود و بغل مامانم خوابیده بودم ولی همه فکر و ذکرم پیش کیف و کتونی بود که برای مدرسه خریده بودم!
* ۹۹ درصد این هایی که میگن می خوایم نهنگ آبی رو بازی کنیم حتی جرئت ندارن از جکوزی یکهو بپرن تو حوضچه آب سرد!
* محسن مسلمان میره بوتیک از هر لباس دو تا می خره، یکیش رو میده مهدی طارمی، اشکال هم نداره ولی کاش هر دو تا لباس رو یک سایز نخره!
* اون جا که سعدی میگه «رشکم آید که کسی سیر نگه در تو کند» آیا میشه مخاطبش غیر از «لوبیاپلو» باشه؟
* همبرگرت را گاز بزن، سفر برو ولی در استوری وانمود به زندگی لاکچری نکن! فالوئرهای اینستا فامیل و دوست هستند و گذشته و حالت را می دانند! نگذار بگویند باز حقوق گرفت!
* یک ضرب المثلی خود خورشت های بامیه دارن که میگن چرا عاقل خورد ما را!
* خیلی دوست دارم یکی از من سوال کنه جریان چیه ناراحتی؟ بگم قضیه برمی گرده به ۲۰ سال پیش!
* منم ۷۰ درصد آف که می بینم، دیگه واسم مهم نیست چیه، سگ دست ماشینم باشه، می خرم!

Like Comment

▪ خودمونی ▪

نفرین سرخ

ماجرا بر می گردد به سرخپوستان قاره آمریکا، یعنی زمانی که هنوز پای جناب کریستف کلمب به آمریکا باز نشده بود. آن روزها توتون برای مردم دنیا چیز ناشناخته ای بود و در آن سرزمین سرخپوست ها برای ابراز علاقه، ایجاد صلح و ... از چپق استفاده می کردند اما بلد بودند که چطور، از چه گیاهانی و به چه اندازه چپقشان را پر کنند تا دود توتون دمار از روزگارشان در نیاورد! اما بعد از حضور سفیدپوستان و قتل و غارت سرخپوست ها برای یافتن طلا، گویا نسخه چگونگی تهیه توتون، با نفرین یکی از بزرگان قبایل سرخپوست به سفیدپوستان منتقل و این گونه شد که این توتون به شکل سیگار و بعدها تنباکوهای میوه ای با چهل و اندی ماده سرطان زای شناخته شده به نسل ما رسید. توتون هایی با نفرین های همان سرخپوست. اگر توتون، نفرین شده نبود محال بود با آن عکس های چاپ شده توسط کارخانجات دخانیات روی بسته ها کسی لب به آنها بزند. من فکر می کنم تمام آدم های سیگاری به نوعی آن نفرین سرخ گریبان گیرشان شده وگرنه با این همه اصرار عجیب و غریب لب به چنین چیز بی خود و مضری نمی زدند. جالب است که در بین این عزیزان نفرین شده، آدم هایی هستند که به طور مثال نوشابه نمی خورند که مبادا برای بدنشان ضرر داشته باشد اما دست از سیگاری که کشیدنش شانس ابتلا به چندین و چند بیماری را بالا برده و عامل اصلی سرطان ریه است بر نمی دارند. اما جالب تر این جاست که این عزیزان سیگاری برای کشیدن سیگار توجیهات جالبی هم دارند مثل «آرامشی میده که نگو»، «نمی دونی سیگار بعد چای چه حالی میده؟» قطعا ماجرای سیگار چیزی ورای یک عادت معمولی بشر است وقتی می فهمی فرق سیگار کشیدن با رگ دست زدن تنها در آرام تر کشته شدن است و هیچ انسان عاقلی دانسته دست به خودکشی نمی زند. در انتها از سیگاری ها می خواهم تلاش کنند تا از این نفرین سرخ خلاصی یابند و اگر نمی توانند لااقل اماکن عمومی را برای بیمارتر شدن انتخاب نکنند تا مبادا نفرین غیر سیگاری ها هم شامل حالشان شود که اگر بشود بدا به حالشان.

ناصر رعیت نواز

▪ دانستنی های جالب ▪

در هرم خئوپوس در مصر که ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده، به اندازه ای سنگ به کار رفته که می توان با آن دیواری آجری به ارتفاع ۵۰ سانتی متر دور دنیا ساخت.

۳۵۰ هزار نوع کفشدوزک در جهان وجود دارد که در طبیعت پراکنده هستند.

«لئوناردو داوینچی» همزمان با یک دست می نوشت و با یک دست نقاشی می کرد.

بدن انسان حدود ۵/۶ لیتر خون دارد. این ۵/۶ لیتر خون هر ۳ دقیقه یکبار ۳ مرتبه در کل بدن گردش می کند. در یک روز، خون بدن حدود ۱۹ هزار کیلومتر حرکت می کند.

منبع: برترین ها

▪ دی روزنامه ▪

جنس فروخته شده...

حتما این خبر را خوانده اید که فروشگاهی به نام «مغازه عشق» در چین به زنان مجردی که بیشترین خرید را داشته باشند، ۲۰۰ گزینه ازدواج معرفی می‌کند تا از بین آنها یکی را به همسری برگزینند. جالب است که تا به حال ۶۰ زوج هم به این شیوه ازدواج کرده اند. کلا این چینی ها همه چیزشان باید با بقیه دنیا فرق داشته باشد. از اجناس و محصولات شان که به ظاهر اصل و در باطن کپی یکبار مصرف هستند گرفته تا همین روش همسریابی شان. اگر با دقت به این کارشان نگاه کنیم می فهمیم که خیلی اشتباه کرده و کلا باید روش همسریابی شان تغییر کند. اول این که دختر و پسر فرقی ندارد، باید برای زنان و مردان مجرد همزمان این کار بشود. چون همان قدر که دختر مجرد داریم، پسر مجرد هم داریم و باید هوای هر دو طرف را داشته باشیم. نمی شود که دختری ازدواج کند ولی در ازایش پسری ازدواج نکند! تازه این طوری مشتریان مغازه دو برابر هم می شوند. بعد از آن، فروشگاه باید به خریدارانی که کمتر خرید کنند یا جنس ارزان تر بخرند و یا بیشترین چانه را بزنند، گزینه های ازدواج را معرفی کند، نه بیشترین خرید را. چون دختر یا پسری که اهل چانه زدن باشد به خاطر افکار و رفتار اقتصادی اش قطعا زن و مرد زندگی است، نه جوان ولخرج! از این ها گذشته، الان اصلا در شروع یک زندگی مشترک پیدا کردن گزینه ازدواج مسئله مهمی نیست. مهم ترین دلیل ازدواج نکردن جوانان نداشتن کار و درآمد و خانه و وسایل خانه است. اگر فروشگاهی یا شرکتی یا کارخانه ای در ایران بخواهد برای کارش چنین تبلیغاتی بکند، باید به خریدارانش به جای گزینه ازدواج، جهیزیه و خانه و شغل بدهد. در این صورت گزینه ازدواج یا خودش با پای خودش می آید یا کافی است نیم نگاهی به اطراف بیندازد تا پیدایش کند. هرچند در چین به هر طرف که نگاه کند، عشقش یا مشابهش را خواهد دید! در نهایت صاحب این مغازه اگر واقعا می خواهد فرهنگ سازی کند یا قدمی برای جوانان بردارد باید چاره ای هم برای طلاق بیندیشد. مثلا پشت سر فروشنده تابلو بزند «زوج انتخاب شده تعویض یا پس گرفته نمی شود»!

علیرضا کاردار

▪ نیاز طنزی ▪

نویسنده: علیرضا کاردار

▪ ما و شما ▪

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* سلام. تور آفریقا نوشتید دو نفره بریم میشه ۱۴ میلیون، یک نفره ۱۷ میلیون!!!
* تور آفریقا فقط برای متاهل هاست؟ چرا یک نفره این قدر گرون تره؟
* در مطلب خوراکی های شادی آور در صفحه سلامت، زعفران را از قلم انداختید چرا!؟
* کمیک «۳ نقطه» درباره رفتن به مدرسه در روز یک شنبه محشر بود. کلی خندیدم. خدا پیرت کنه مصطفی. قیافه کامی هم دیدنی بود. سعید جان خسته نباشی. **آزاد**
* تابستان چه زود تمام شد؟! **از طرف کدو تنبل**
* ظروف مخصوص لاغری که در ستون دور دنیا زدین، ایده خیلی باحالی داشت!
* آق کمال، تو یار دبستانی منی!
* داستان کوتاه «آ. هنری» عجب پایان خاصی داشت. لطفا بیشتر از ایشون داستان چاپ کنین. واقعا خواندنی و جالب بود.
* واااااای! واااای! یادداشت خودمونی درد دل همه مردمه. تو رو خدا بیاین همه رعایت کنیم. بعید می دونم فردی ازش لطمه نخورده باشه! **مریم، یک دختر دلشکسته**
* مدافعان حرم مصداق این ابیات از استاد سخنوری حضرت سعدی اند که چه زیبا سخن را با واقعیت تطبیق می دهد (صاحب نظران لاف محبت نپسندند / وان گه سپر انداختن از تیر بلایی / باید که سری در نظرش هیچ نیرزد / آن کس که نهد در طلب وصل تو پایی).
* دختر گلم فاطمه جان، ۲۱ شهریور سالروز تولدت مبارک. **پدر و مادر و برادرت**

پاسخ خفن استریپ شماره قبل: چشم و گوش باز - روسیاه - دست انداز